

**Cultural Behavior Change to Gain Social Prestige
in the Iron Ages 2 and 3
(Evidence of Prestige Goods in the Eastern Cemetery
of Qara Tepe, Sagzābād)**

Saman Babazadeh* , Mostafa Dehpahlavan**

Abstract

Recently archaeological excavations in the eastern cemetery of Qara tepe, Sagzābād, have uncovered graves related to the late second millennium and the first half of the first millennium B.C. (Iron ages 2 and 3). Thankfully, with the excavation of this cemetery, we have obtained some findings based on which we can reconstruct part of the social aspects of the life of the societies of the first millennium BC in the region. Graves are one of the most important archaeological contexts for discovering prestige goods. There are many questions and ambiguities in the field of prestige goods, changes in their type and value over time, and how they were distributed in the region in the Iron Ages 2 and 3. Given the theoretical discussions raised about prestige and prestige goods and the results of the excavations in this cemetery, finds such as sea shells, decorative beads made of carnelian and antimony, cylindrical seals of the neo-Assyrian style, cylindrical seals with geometric designs, and iron ornaments and tools can be considered as prestige goods. The evidence of this cemetery indicates the elites' efforts in the first millennium B.C. to maintain their social prestige by achieving new categories of prestige goods. As a sign of

* Ph.D. student of Archaeology, University of Tehran, Tehran, Iran, babazadeh.saman@gmail.com.

** Associate Professor of Archeology, University of Tehran, Tehran, Iran, (Corresponding Author),
Mdehpahlavan@ut.ac.ir

Date received: 22/05/2022, Date of acceptance: 31/10/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

connection and interaction with distant lands, these goods could play an influential role in maintaining and developing elites' prestige and social status. Moreover, the finds of this cemetery indicate the efforts of some lower ranks of the society to increase their social prestige and use its advantages.

Keywords: Iron Age, First millennium B.C, Qara Tepe, Sagzābād, Prestige good.



تغییر رفتار فرهنگی برای کسب منزلت اجتماعی در عصر آهن دو و سه

(شواهدی از کالاهای شأن‌زا در گورستان شرقی قره تپه سگزآباد)^۱

سامان بابازاده*

مصطفی ده پهلوان**

چکیده

به تازگی کاوش‌های باستان‌شناختی در گورستان شرقی قره تپه سگزآباد منجر به کشف گورهایی متعلق به اواخر هزاره دوم و نیمه نخست هزاره اول پ.م. (عصر آهن ۲ و ۳) گردید. به لطف کاوش‌های انجام شده در این گورستان، یافته‌هایی در اختیار قرار گرفته که می‌توانیم بر اساس آن‌ها بخشی از جنبه‌های اجتماعی زندگی جوامع هزاره اول پ.م ساکن در منطقه را بازسازی نماییم. گورها یکی از مهمترین بافت‌های باستان‌شناختی کشف کالاهای شأن‌زا هستند. در زمینه نوع کالاهای شأن‌زا، تغییرات در نوع و ارزش آن‌ها در طول زمان و چگونگی توزیع آن‌ها در جامعه‌ی عصر آهن ۲ و ۳ منطقه پرسش‌ها و ابهامات زیادی وجود دارد. با توجه به مباحث نظری موجود در زمینه‌ی شأن و کالاهای شأن‌زا و مطالعه‌ی یافته‌های حاصل از کاوش‌های این گورستان نویافته می‌توان کالاهایی از قبیل صدف دریایی، مهره‌های تزئینی از جنس عقیق قرمز و آنتیموان، مهرهای استوانه‌ای سبک آشور نو، مهرهای استوانه‌ای با طرح هندسی و زیورآلات و ابزار آهنی را به عنوان کالاهای شأن‌زا در نظر گرفت. شواهد بدست آمده از این گورستان حاکی از تلاش نخبگان در

* دانشجوی دکتری رشته باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران babazadeh.saman@gmail.com

** دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، Mdehpahlavan@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۹



هزاره اول پ.م. برای حفظ شأن و منزلت اجتماعی خود از طریق اختیار کردن دسته‌ای جدیدی از کالاهای شأن‌زا است. این کالاها به عنوان نشانه‌ای از پیوند و تعامل با سرزمین‌های دور دست می‌توانست در حفظ و توسعه‌ی شأن و جایگاه اجتماعی نخبگان نقش موثری داشته باشند. همچنین یافته‌های بدست آمده از این گورستان حاکی از تلاش بخشی از رده‌های پایین‌تر جامعه برای افزایش شأن اجتماعی خود و بهره‌مندی از امتیازات آن است.

کلیدواژه‌ها: عصر آهن، هزاره اول پ.م. قره تپه، سگزآباد، کالای شأن‌زا.

۱. مقدمه

قره تپه سگزآباد یکی از محوطه‌های شاخص عصر آهن دشت قزوین است. کاوش‌های باستان‌شناختی در این محوطه از سال ۱۳۴۹ آغاز و با وقفه‌های چندین ساله تا سال ۱۴۰۰ ادامه داشته است. متأسفانه به دلیل حجم عظیم حفاری‌های غیرمجاز و فعالیت‌های کشاورزان آسیب‌های فراوانی به لایه‌های عصر آهن بویژه لایه‌های متعلق به هزاره اول پ.م. این محوطه وارد شده است (شهمیرزادی، ۱۳۵۶). در کاوش‌های سال ۱۳۹۵ در بخش شرقی این تپه، گورستانی متعلق به اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پ.م. (عصر آهن ۲ و ۳) شناسایی گردید. با تمرکز کاوش‌های باستان‌شناختی در این گورستان، ۶۹ گور و یافته‌های دیگری در ارتباط با این گورستان مورد کاوش قرار گرفت. گورستان‌ها از مهمترین بافت‌های باستان‌شناختی در زمینه‌ی مطالعه‌ی جنبه‌های مختلف اجتماعی جوامع هستند. در این مقاله تمرکز نگارندگان بر مبحث شأن اجتماعی است. پرسش‌های این پژوهش عبارتند از: کدام یک از یافته‌های بدست آمده از این گورها را می‌توان به عنوان کالای شأن‌زا در نظر گرفت؟ نوع این کالاها و ارزش آن‌ها در طول زمان چه تغییراتی به خود دیده‌اند؟ و میزان دسترسی رده‌های مختلف جامعه به این کالاها چگونه بوده است؟ با ظهور باستان‌شناسی نو و توجه بیشتر باستان‌شناسان به مسائل تطوری جوامع و ساختارهای اجتماعی - اقتصادی آن‌ها، مجموعه‌ای از نظریه‌ها در زمینه‌ی چگونگی ظهور، توزیع و کارکردهای کالاهای شأن‌زا شکل گرفته است. در این مقاله تلاش می‌شود تا بر اساس چارچوب‌های نظری موجود و با بررسی و دسته‌بندی یافته‌های درون گورها به پرسش‌های بالا پاسخ دهیم. نتایج این مقاله می‌تواند خلاء مطالعات ناشی از تخریب لایه استقرار قره

تپه سگزآباد را پر نموده و بخشی از جنبه‌های اجتماعی زندگی جوامع ساکن در دشت قزوین در عصر آهن ۲ و ۳ را برای ما روشن نماید.

۲. شأن (Prestige)، کالای شأن‌زا (Prestige object/ item/good) و کارکرد آن

بسیاری از پستانداران دارای جوامعی سلسله‌مراتبی هستند. سلطه/ غلبه عامل شکل‌گیری سلسله‌مراتب در جانوران است. اما در جوامع انسانی افزون‌بر سلطه/غلبه، شأن نیز یکی از پایگاه‌های قدرت و عامل شکل‌گیری سلسله‌مراتب اجتماعی است. جایگاه اجتماعی نشأت گرفته از شأن منحصر به گونه‌ی انسان‌هاست. شأن حس احترام و تحسین را القاء می‌کند و اغلب مفهومی مثبت دارد؛ افراد دارای شأن این حق و حقوق را بدست آورده‌اند. اگر نگوئیم که از افراد دارای شأن فرمانبرداری می‌شود؛ دست کم به نظرات و خواسته‌هایشان بیشتر از مردم عادی توجه می‌گردد. افراد دارای شأن از برخی وظایف معاف هستند و امتیازات خاصی را کسب می‌کنند. معانی به کار رفته برای کلمه شأن نشان دهنده‌ی آن است که این مزایا با میل و رغبت به فرد دارای شأن اعطا می‌گردد. منشأ این احترام، داشتن مهارت و دانش در مدیریت و حل برخی از معضلات جامعه است (Henrich and Gil-White 2001).

مطالعات مردم‌نگاری و تاریخی نشان داده‌اند جوامع دارای سازماندهی اجتماعی مناسب، در تضادها و منافع عمومی عملکرد بهتری نسبت به گروه‌های همسایه خود دارند. معمولاً وجود یک رهبر برای هماهنگ کردن و سازماندهی فعالیت‌های گروهی لازم است. مشاهدات مردم‌نگاری از نحوه‌ی انتخاب رهبران در جوامع برابرطلب حاکی از نقش مهم شأن در انتخاب یا پذیرفته شدن افراد توسط گروه برای ایفای نقش رهبری در فعالیت‌های جمعی است. افرادی که مناصب اقتدار را اشغال می‌کنند مزایای شخصی و فرصت‌هایی برای افزایش رفاه خود و خانواده خود بدست می‌آورند (Plourde 2010: 146-147). این مزایا خود باعث شکل‌گیری رتبه‌بندی اجتماعی می‌شود. رتبه‌بندی اجتماعی در شکل‌های اولیه خود زودگذر و ناپایدار است اما با گذر زمان و ظهور تغییراتی در جوامع می‌تواند پایدار و شکلی دائمی به خود بگیرد (بنگرید به Johnson and Earle 2000, Service 1962 فلانری ۱۳۸۰).

وجود این مزایا منجر به افزایش رقابت در جامعه می‌شود. برخی از پژوهشگران، افراد درگیر در رقابت بر سر شأن و منافع آن را "بزرگ ساز" (Aggrandizer) می‌نامند. جان کلارک (John E. Clark) و مایکل بلیک (Michael Blake) معتقدند که موتور تغییر جوامع با ساختار سیاسی - اجتماعی برابرطلب به جوامع با نابرابری اجتماعی دائمی، رقابت برای دست یابی به شأن است که بین شبکه‌ای از افراد شکل می‌گیرد که آن‌ها را "بزرگ ساز" می‌نامند (Clarck and Black 1994: 28). برایان هیدن (Brian Hayden) نیز "بزرگ ساز" را موتور محرکه تغییرات اجتماعی می‌داند و به خصوصیات، شیوه عملکرد و نقش آن‌ها در ظهور جوامع سلسله مراتبی پرداخته است (Hayden 1998). بر خلاف برایان هیدن که معتقد است بزرگ سازان بخش کوچکی از جامعه با ویژگی‌های خاص هستند که با استراتژی‌های خود منجر به بهبود وضعیت خود می‌شوند. ایمی پلورد (Aimée Plourde) اعتقاد دارد که همه‌ی مردم چنین موتور درونی برای بهبود زندگی و موفقیت را دارا هستند (Plourd 2009: 273).

اما آنچه برای باستان شناس اهمیت دارد شکل مادی شأن در بافت‌های باستانی است. یکی از جدیدترین مدل‌ها در زمینه‌ی چگونگی ظهور شکل مادی شأن متعلق به ایمی پلورد است. او معتقد است با افزایش رقابت بین افراد برای دستیابی به شأن و افزایش مزایایی که از آن حاصل می‌شود استراتژی‌های جدیدی برای پیروزی در رقابت بر سر دستیابی به شأن شکل می‌گیرد؛ از جمله این استراتژی‌ها می‌توان به استفاده از کالاهای مادی به عنوان تبلیغاتی برای درجه مهارت و دانش فرد، اشاره نمود. به عقیده‌ی او دو عامل افزایش جمعیت و افزایش پیچیدگی و/یا افزایش تعداد مهارت‌ها و قلمرو دانش لازم برای موفقیت، در شکل‌گیری این شرایط نقش موثری داشته‌اند (Plourde 2009, 2008).

افزون بر نقش شأن به عنوان یکی از عوامل ظهور رتبه‌بندی اجتماعی، شأن و نمود مادی آن در باستان شناسی که تحت عنوان کالای شأن‌زا شناخته می‌شود؛ یکی از ابزارهای مهم نخبگان برای توسعه‌ی پیوندهای سیاسی و ایجاد، نمایش، حفظ و بازتولید قدرت و میزان موفقیت و در نتیجه افزایش اقتدار آن‌ها و توسعه‌ی رتبه‌بندی اجتماعی در سطح جوامع بوده است (به طور مثال بنگرید به Hayden 1998, Johnson and Earle 2000, Earle, 1997). ذکر این نکته ضروریست رقابت بر سر شأن تنها مختص به افراد پیشرو جامعه نیست و رقابت بر سر شأن خارج از گروه نخبگان نیز در جریان است (Siklósi 2004: 8). گروه‌های اجتماعی

پایین‌تر همواره تمایل به اقتباس کردن فرهنگ مادی گروه‌های با موفقیت بالا دارند (Schulting 1995: 15). کالاهای شأن‌زا خارج از گروه نخبگان می‌تواند به شکل نسخه برداری از نمونه‌های اصلی با مواد خام کم ارزش‌تر باشد. همچنین توزیع کالاهای شأن‌زا توسط نخبگان در مراسم مختلف امری رایج است (Hirth 1996: 216-217) که منجر به دسترسی برخی از رده‌های پایین‌تر جامعه به این دسته از کالاها می‌شود.

۳. کالاهای شأن‌زا در بافت‌های باستان‌شناختی

به طور کلی در باستان‌شناسی کالاهای شأن‌زا به کالاهایی اطلاق می‌شود که خود و یا مواد اولیه آن‌ها از مسافت‌های دور وارد یک منطقه شده و یا توزیع محدود داشته و یا اینکه با فرآیند تولید زمان‌بر و یا فناوری پیشرفته زمان خود ساخته شده باشند (Hayden 1998). اگرچه برخی از پژوهشگران معتقدند که برخی از کالاهای مصرفی نیز می‌توانند به عنوان کالاهای شأن‌زا در یک جامعه عمل نمایند (Flad and Hruby 2007). کالاهای شأن‌زا ممکن است ابزار و وسایل شخصی افراد (زیورآلات، اسلحه) و یا دارای کارکردهای اجتماعی - آیینی خاصی باشند. بررسی کالاهای شأن‌زا ممکن است اطلاعات مهمی در مورد اتحادیه‌های سیاسی در سطوح محلی و منطقه‌ای را نشان دهند (Kristiansen and Larson 2005: 36). ویژگی‌های متنوع فرهنگی، اقتصادی و فناوری جوامع باعث شده است که کالاهای شأن‌زا در جوامع مختلف و در زمان‌های متفاوت ماهیت‌های مختلفی داشته باشند. به نظر تنها اصل پایدار در شناسایی این کالاها، وارداتی بودن آن‌ها باشد. به تازگی برخی از پژوهشگران تلاش نموده‌اند تا بر اساس چارچوب‌های نظری ارائه شده، ویژگی‌هایی را برای کالاهای شأن‌زا در بافت‌های باستان‌شناسی ارائه نمایند. به طور مثال شوشانا شیکلوشی (Zsuzsanna Siklósi) پنج ویژگی زیر را بر اساس نظریات پژوهشگران مختلف برای کالاهای شأن‌زا پیشنهاد می‌کند:

- کمیاب، خارجی و از سرزمین‌های دور آمده‌اند.
- بدست آوردن آن‌ها سخت و دسترسی به آن‌ها محدود است.
- نشان دهنده‌ی ارزش بالا از جنبه‌ای خاص هستند.
- معمولاً نسخه‌هایی با سایر مواد خام از آن‌ها ساخته می‌شود.

- اغلب در گورها یا به صورت اقلام گمشده یا دور ریز مشاهده می‌شوند (Siklósi 2004: 7-8).

آرمین سلبیچکا (Armin Selbitschka) نیز با توجه به نتایج پژوهشگران مختلف هفت معیار را برای شناسایی ارزش نسبی اشیاء در بافت‌های تدفینی معرفی نموده که می‌توان بر اساس آن‌ها شأن‌زا بودن یا نبودن شیء را مشخص نمود. این هفت معیار عبارتند از:

- هزینه‌ی تولید یا هزینه مالکیت بسیار بالا (نشانه انحصاری بودن آن).
- میزان دسترسی به مواد خام آن.
- سختی کار و تخصص فنی در تولید.
- بیگانه پرستی (علاقه به شیء خارجی).
- الف: ماهیت خود شیء .
- ب: سرمنشاء آن.
- محدودیت‌های اجتماعی.
- خصوصیات خاص در بافت مجموعه‌ی گور:
- الف: ماهیت خود شیء.
- ب: موقعیت آن در گور و رابطه‌ی آن با بدن.
- ارثیه خانوادگی / یادگار خانوادگی (Selbitschka 2018: 12).

۴. تفاوت شأن اجتماعی و جایگاه اجتماعی

شأن (prestige) و جایگاه اجتماعی (social status) دو اصطلاحی هستند که همواره در بررسی ویژگی‌های اجتماعی جوامع مختلف مورد توجه باستان‌شناسان بوده‌اند. پیش از این به معنا و کارکرد شأن پرداخته شد. و اما جایگاه اجتماعی به چه معناست؟ و تفاوت آن با شأن چیست؟ جایگاه اجتماعی تنها نشان دهنده‌ی موقعیتی است که یک فرد خاص در یک جامعه خاص اشغال می‌کند. جایگاه اجتماعی اغلب با قید و بندهای اجتماعی مشخصی تعیین می‌شود، اعضای جامعه در آن متولد می‌شوند و نمی‌توانند آن را تغییر دهند به این معنا که فرصت تغییر جایگاه از نظر اجتماعی تعیین می‌شود؛ بنابراین ارزشی که به جایگاه-

های اجتماعی مختلف تعلق می‌گیرد ثابت است (Siklósi 2004: 7). هر فرد ممکن است جایگاه‌های اجتماعی مختلفی مانند مرد، پدر، جنگجو، خان، یا غیره را اشغال کند اما مقصود ما از جایگاه یک فرد در جامعه، میزان دسترسی او به امتیازات اجتماعی - اقتصادی یا به معنای دیگر جایگاه او در سلسله مراتب اجتماعی است. به طور خلاصه تمایز شأن و جایگاه افراد در جامعه را اینگونه می‌توان تعریف نمود که شأن یک مکانیزم تمایز است که بر گروه‌ها و افراد یک جامعه خاص تأثیر می‌گذارد. بر خلاف جایگاه اجتماعی که تغییر آن دشوار است؛ افراد یک جامعه به صورت فعال از شأن برای نمود فردی خود و بازشناسی گروه‌های اجتماعی که به آن تعلق دارند استفاده می‌کنند (Bagley and Schumann 2013: 127).

باستان‌شناسان با توجه به سطح پیچیدگی جوامع، نوع جایگاه اجتماعی افراد را به دو دسته انتسابی و اکتسابی تقسیم می‌کنند (Kantner, 2010: 256, Marcus, 2008: 257). در یک جامعه با نظام جایگاه اجتماعی انتسابی یک فرد ممکن است خان به دنیا بیاید و از تمامی امتیازات خان بودن (زمین زیاد، دام فراوان و ...) بهره‌مند باشد اما لزوماً به این معنی نیست که شأن اجتماعی بالایی داشته باشد. معمولاً هر جایگاه اجتماعی به میزانی شأن به همراه خود برای فرد به ارمغان می‌آورد اما این عملکرد فرد است که این میزان شأن را افزایش یا کاهش می‌دهد. یک فرد می‌تواند یک خان با شأن و احترام اجتماعی بالا باشد و یا اینکه یک خان منفور. در جامعه‌ایی با نظام جایگاه اجتماعی اکتسابی نیز (همانطور که پیش از این نیز اشاره شد) میزان شأن کسب شده یکی از ابزار مهم در دستیابی به جایگاه اجتماعی بالا و امتیازات مربوط به آن جایگاه اجتماعی است.

اغلب در بافت‌های باستان‌شناختی تفکیک بین کالاهای شأن‌زا و نمادهای جایگاه اجتماعی دشوار است. همچنین در برخی از موارد دسته‌ای از کالاهای شأن‌زا به گروه‌های اجتماعی خاصی متصل می‌شوند و از این طریق به یک نماد اجتماعی تبدیل می‌شوند (Bagley and Schumann 2013 : 125- 126) که بر دشواری کار می‌افزاید. افزون بر این معمولاً کالاهای شأن‌زا و نمادهای جایگاه اجتماعی به همراه هم در بافت گورها یافت می‌شوند. اما تفاوت عمده‌ای که می‌تواند در تفکیک کالاهای شأن‌زا و نمادهای جایگاه اجتماعی راهگشا باشد این است که کالاهای شأن‌زا همواره در جوامع مختلف در گردش هستند و در مسافت‌های طولانی جابه‌جا می‌شوند. همچنین کالاهای شأن‌زا اغلب در

بافت‌های دورریز و درون گورها یافت می‌شوند؛ در صورتی که کالاهای مرتبط با جایگاه اجتماعی بر خلاف کالاهای شأن‌زا در میان جوامع مختلف جابه‌جا نمی‌شوند و معمولاً نمونه مشابه کمتری دارند (Siklósi 2004).

۵. گورستان شرقی قره تپه سگزآباد

قره تپه سگزآباد در جنوب دشت قزوین و در شهرستان بویین زهرا واقع شده است. نخستین کاوش باستان‌شناختی در این محوطه توسط امیر فراهانی رئیس وقت اداره فرهنگ و هنر قزوین در سال ۱۳۴۷ انجام شد (عزیزخرانقی و ناصری ۱۳۹۱: ۷۹). قره تپه یکی از سه تپه‌ای است که در سال ۱۳۴۹ توسط عزت‌الله نگهبان برای کاوش‌های باستان‌شناختی دانشجویان گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران انتخاب شد (نگهبان ۱۳۵۶: ۳۹). کاوش‌های این محوطه تا سال ۱۳۵۶ به سرپرستی عزت‌الله نگهبان انجام شد و پس از وقفه‌ای ۲۰ ساله، در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ توسط حسن طلایی مورد کاوش قرار گرفت (طلایی ۱۳۸۹: ۵۱ و ۵۰). سپس سه فصل کاوش بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ در این محوطه به سرپرستی کمال‌الدین نیکناملی با همکاری حجت‌دارابی، محمد حسین عزیزخرانقی و سیما یدالهی انجام شد (یدالهی و عزیزخرانقی ۱۳۸۹: ۶). بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ کاوش باستان‌شناختی در این محوطه بر عهده مصطفی ده‌پهلوان بود. طی کاوش‌های سال ۱۳۹۵ در پروژه تعیین عرصه و حریم قره تپه سگزآباد و عملیات آرکئولوژیک، در زیر لایه‌های رسوبی زمین‌های کشاورزی اطراف قره تپه شواهدی از گورستانی در شرق آن متعلق به عصر آهن ۲ و ۳ پدیدار گردید (ده‌پهلوان ۱۳۹۷ الف: ۴۳۷). به منظور مطالعه‌ی گورهای این گورستان نویافته در سال ۱۳۹۶ ترانسه‌ای تحت عنوان ترانسه‌ی ۱۲ به ابعاد ۱۰ در ۲۰ متر در فاصله‌ی ۱۸۰ متری شرق قره تپه سگزآباد مورد کاوش قرار گرفت. کاوش در ترانسه‌ی ۱۲ در سال‌های ۱۳۹۷ (ده‌پهلوان ۱۳۹۷ ب)، ۱۳۹۸ (ده‌پهلوان ۱۳۹۸) و سال ۱۴۰۰ (ده‌پهلوان ۱۴۰۰) نیز ادامه یافت. در سال ۱۳۹۸ بخشی از اضلاع جنوبی و غربی ترانسه گسترش یافت (ده‌پهلوان ۱۳۹۸). طی سه فصل کاوش در این گورستان، در مجموع ۶۹ گور در عمق‌های مختلف کاوش گردید.^۲ به صورتی که فوقانی‌ترین گور از عمق ۱۲۸ سانتی متری و تحتانی‌ترین گور از عمق ۴۴۰ سانتی متری نسبت به نقطه‌ی ثابت اندازه‌گیری بدست آمد. این گورستان شامل گورهایی با سازه‌ی خشتی، گورهای گودالی و تدفین

نوزاد/جنین در ظروف سفالی است. در این گورستان تدفین‌ها به صورت انفرادی و دسته-جمعی هستند و در برخی از گورها شواهدی از تدفین ثانویه نیز بدست آمده است.



تصویر ۱: قره تپه سگزآباد و محل تراشه ۱۲ در گورستان شرقی قره تپه (ده پهلوان، ۱۳۹۶: تصویر ۴)

۶. کالاهای شانزای گورستان شرقی قره تپه سگزآباد

۱.۶ مهره‌های تزئینی

۱.۱.۶ مهره‌های صدفی

در مجموع ۶ نوع مهره صدفی از گورهای گورستان شرقی قره تپه سگزآباد بدست آمده است. این مهره‌ها از نوع سپید مهره، مهره انجینا، مهره دندانی، مهره ماریچ، صدف‌های لوله‌ای و لاگون راه‌راه هستند (بولوردی ۱۳۹۹) که منشاء آن‌ها آب‌های شور خلیج فارس و دریای مدیترانه است (Reese 1989). منابع مردم نگاری، شواهد فراوانی مبنی بر استفاده از مهره‌های صدف دریایی به عنوان کالایی شانزای ثابت و ضبط کرده‌اند (Trubitt 2003:244). افزون بر این کاوش‌های حسنلو نشان داده است که بیشترین تعداد صدف‌های دریایی که از نظر درصد فراوانی نوع صدف‌ها شباهت فراوانی با سگزآباد دارد؛ از دژ سوخته‌ی حسنلو IVB بدست آمده است (Reese 1989).



تصویر ۲. مهره صدفی سپید مهره گور ۱۱
(بولوردی ۱۳۹۹: ۳-۷۹)



تصویر ۳. مهره صدفی انجینا گور ۱۲
(بولوردی ۱۳۹۹: ۳-۹۵)

۲.۱.۶ مهره‌های عقیققرمز

عقیق قرمز یکی از محبوب‌ترین و متداول‌ترین سنگ‌های نیمه قیمتی در آسیای غربی و هند باستان بود. عقیق قرمز به واسطه‌ی رنگ و درخشندگی که دارد همواره توسط نخبگان جامعه برای ساخت جواهرات و مهرها مورد استفاده قرار می‌گرفت. مهمترین منابع عقیق قرمز در هند واقع شده است. اما منابع عقیق قرمز در مناطق جنوب و جنوب شرقی ایران، شبه جزیره عربستان، جنوب غرب افغانستان، جنوب ازبکستان، کشور آذربایجان و برخی مناطق دیگر نیز شناسایی شده است (Waele and Haerinck 2006: 32). دره‌ی هند به واسطه وجود منابع فراوان به عنوان یکی از مراکز مهم تولید و توزیع مهره‌های عقیق قرمز بویژه در هزاره سوم پ.م. شناخته می‌شود. بررسی نمونه‌های عصر آهن و مفرغ ارمنستان و امارات متحده‌ی عربی نشان داده است که افزون بر نمونه‌های وارداتی دره‌ی هند، نمونه‌های عقیق قرمز از منابع محلی نیز در این مناطق رایج بوده است (Brunet 2009). شناخت منشأ عقیق‌های قرمز بدست‌آمده از گورهای گورستان شرقی قره تپه نیازمند پژوهش‌های

تخصصی است. صرف نظر از وارداتی بودن یا نبودن مهره‌های عقیق قرمز مکشوفه از گورهای گورستان شرقی، فرآیند تولید تخصصی و منابع محدود آن‌ها باعث می‌شده تا دسترسی به آن‌ها محدود بوده و به عنوان کالایی شأن‌زا مورد استفاده نخبگان جامعه بوده باشند.



تصویر ۴. مهره‌های عقیق مکشوفه از گور ۱۱
(بولوردی ۱۳۹۹: تصویر ۳-۸۶)

۳.۱.۶ اشیا فلزی

اشیا فلزی مکشوفه از گورستان شرقی قره تپه سگزآباد از جنس‌های مفرغ، آهن و آنتیموان هستند. اشیا مفرغی و آهنی شامل زیورآلات، جنگ‌افزار و به صورت تکه‌های با کاربری نامشخص از گورها بدست‌آمده است و فلز آنتیموان به صورت مهره‌های تزیینی از برخی از گورها شناسایی شده است.

۴.۱.۶ اشیاء آهنی

اشیاء آهنی به واسطه‌ی فناوری پیشرفته تولید و منابع محدود در دسترس آن می‌تواند به عنوان یک کالای شأن‌زا مورد استفاده قرار گیرد. حسن طلایی در کاوش‌های خود در قره تپه، گودال زباله‌ای مربوط به ۱۱۰۰-۸۰۰ پ.م. را کشف نمود که تعداد زیادی اشیا فرسوده آهنی شامل تیغه‌های خنجر، داس و چاقو از آن بدست آمد. طلایی معتقد بود، در این دوره به قدری تولید آهن افزایش یافته که ابزار فرسوده به عنوان یک کالای دور انداختنی به حساب می‌آمد (طلایی ۱۳۸۱: ۵۶۲-۵۶۳). در حالی که پژوهش‌های باستان-

شناسی و قوم‌نگاری نشان داده است که از گردش خارج کردن کالاهای شأن‌زا امری رایج بوده است (Halstead 1993:608, Shackleton and Renfrew 1970: 1064) و این رفتار بخشی از استراتژی نخبگان برای حفظ ارزش کالاهای شأن‌زا بوده است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

۵.۱.۶ مهره‌های آنتیموان

یکی از یافته‌های مهم گورستان شرقی قره تپه سگزآباد کشف مهره‌های تزئینی از جنس آنتیموان است. آنتیموان یکی از کمیاب‌ترین عناصر پوسته‌ی زمین است و بیشتر به عنوان ناخالصی در فلزات مختلف یافت می‌شود. نمونه مکشوفه از گورستان شرقی قره‌تپه سگزآباد یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌هایی است که از آنتیموان به عنوان فلز پایه برای ساخت اشیاء استفاده شده است. این مهره‌ها به روش ریخته‌گری و قالب‌گیری ساخته شده‌اند و در زمان استفاده آن‌ها توسط افراد به رنگ نقره‌ای بوده‌اند (Mohammadi et al. In press). دسترسی محدود و تکنیک پیشرفته‌ی تولید این مهره‌ها از جنس آنتیموان نشان از ارزش شأن‌زای آن‌ها است.



تصویر ۵. مهره‌های آنتیموان گورهای ۱۲ و ۱۵ (نگارندگان)

۶.۱.۶ اشیاء مفرغی^۳

همانطور که پیش از این نیز ذکر شد؛ اشیاء فلزی به واسطه‌ی فناوری پیچیده تولید و فرآیند تولید زمان‌بر و پرهزینه در جوامع باستانی به عنوان کالایی شأن‌زا شناخته می‌شدند و قاعدتاً دسترسی به آن‌ها نیز می‌بایست محدود می‌بود. افزون‌بر این با توجه به ویژگی‌های متنوع

فرهنگی، اقتصادی و فناوری جوامع ممکن است شأن‌زا بودن یا نبودن یک شی واحد در جوامع مختلف متفاوت باشد. به عنوان مثال بسیاری از خودروهایی که در سایر کشورها به عنوان یک کالای مصرفی مورد استفاده افراد است در کشور ما به عنوان کالایی شأن‌زا شناخته شود. تاکنون در بیش از نیمی از گورهای کاوش شده (۳۶ گور) از گورستان شرقی قره تپه سگزآباد اشیاء مفرغی بدست آمده (جدول ۱) که نشان از دسترسی بالای ساکنان قره‌تپه سگزآباد به اشیاء مفرغی است. این افزایش دسترسی به دلیل توسعه و پیشرفت فلزکاری بویژه فلز مفرغ در هزاره اول پ.م. در این محوطه است (طلایی ۱۳۸۱، قدوسیان و دیگران ۱۳۹۶ و Mortazavi et al. 2011). کاهش ارزش کالاهای شأن‌زا در جوامع مختلف به دلیل افزایش دسترسی به آنها امری رایج است که منجر به اعمال استراتژی‌های مختلفی توسط نخبگان می شود.

۲.۶ مهرهای استوانه‌ای

تاکنون ۴۱ مهر استوانه‌ای از گورستان شرقی قره تپه سگزآباد بدست آمده است. مهرهای بدست آمده از گورستان شرقی را می‌توان به دو دسته‌ی سبک محلی و آشور نو تقسیم نمود (Dehpahlavan and Alinezhad 2022). مهرهای سبک محلی فراوانی بیشتری دارند و نقوش آنها را می‌توان به دو دسته‌ی هندسی و جانوری تقسیم کرد (Ibid). بافت کشف مهرها و اثر مهرها در فهم درست کاربری آنها بسیار با اهمیت است. صرف نظر از اینکه مهرهای استوانه‌ای مکشوفه از قره تپه سگزآباد چه کاربردی داشته‌اند، مشخص است که تمامی افراد جامعه توانایی دسترسی به مهرهای استوانه‌ای را نداشته‌اند. کاوش‌های حسنلو نشان داده است که مهرهای سبک محلی حسنلو با هدف مهر و موم درهای اتاق‌ها و صندوق‌ها مورد استفاده بوده‌اند. در حالی که مهرهای سبک هندسی و مهرهای سبک آشوری اغلب به عنوان زیورآلات مورد استفاده بوده‌اند. به عقیده‌ی مارکوس مهرهای سبک آشوری مکشوفه از حسنلو به عنوان یک کالای شأن‌زا شناخته می‌شدند و نشان دهنده جایگاه اجتماعی بالای صاحب آن بوده است (Marcus 1996: 60-62). در نتیجه با توجه به الگوی کارکردی مهرهای استوانه‌ای حسنلو می‌توان مهرهای استوانه‌ای سبک آشوری و مهرهای استوانه‌ای سبک محلی با نقوش هندسی قره تپه را به عنوان کالایی شأن‌زا و با کارکردهای فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفت.



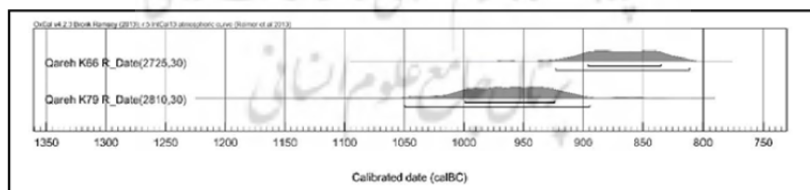
تصویر ۶. مهر استوانه‌ای سبک آشوری مکشوفه از بافت ۱۲۱۰۵
(Dehpahlavan and Alinezhad 2022)

ظهور مهرها به عنوان یک ابزار مدیریتی پیامد رشد پیچیدگی‌های اجتماعی-اقتصادی جوامع است. مهرها به عنوان ابزاری مدیریتی برای مهر و موم درها و کالاهای مختلف مورد استفاده بوده‌اند و با قرار گرفتن افراد در جایگاه اجتماعی خاصی (انتسابی یا اکتسابی) در اختیار آنها قرار می‌گرفت. با این تفاسیر مهرهایی با کاربرد اداری به عنوان یک نماد اجتماعی عمل می‌کردند. شوربختانه به دلیل حجم عظیم کاوش‌های غیر مجاز، اطلاعات ما از شیوه‌ی مدیریتی قره‌تپه سگزآباد در هزاره اول پ.م. بسیار اندک است. البته ۴ مهر استوانه‌ای از لایه‌های عصر آهن قره‌تپه توسط طلایی (Mucheshi and Talai 2012: 90) و همچنین یک مهر استوانه‌ای از کاوش‌های ۱۳۹۵ از بافتی متعلق به هزاره اول پ.م. بدست آمده‌اند که در این زمینه کمکی نمی‌کنند. اما همانگونه که در بالا نیز اشاره شد با توجه به یافته‌های موجود احتمالاً مهرهای سبک محلی قره‌تپه سگزآباد نیز می‌تواند الگوی کارکردی مشابه حسنلو داشته باشند؛ یعنی همچون حسنلو، مهرهای استوانه‌ای سبک محلی مکشوفه از قره-تپه سگزآباد نیز برای مهر و موم درها و جعبه‌های حاوی کالاهای ارزشمند مورد استفاده بوده باشند (Marcus 1996: 30). در این صورت ممکن است بخشی از مهرهای سبک محلی قره‌تپه نوعی نماد جایگاه اجتماعی باشند نه یک کالای شأن‌زا. قضاوت درست در این زمینه در گرو کاوش‌های آینده در این محوطه و یا لایه‌های استقرار محوطه‌ها همزمان در دشت قزوین است.

۷. بحث و تحلیل

پژوهش‌ها نشان داده است که با افزایش دسترسی بیشتر افراد جامعه به کالاهای شأن‌زا، این کالاها ارزش نمادین خود را از دست می‌دهند. معمولاً پاسخ نخبگان به این مشکل به دو شکل است: پاسخ اول، محدود کردن شدید دسترسی به کالاهای شأن‌زا برای جلوگیری از فرآیند تقلید. پاسخ دوم، اختیار کردن دسته‌ی جدیدی از کالاهای کمیاب برای نشان دادن موقعیت اجتماعی (Schulting 1995: 15). تحقق روش اول از طریق حذف کالاهای شأن‌زا از گردش امکان‌پذیر است که معمولاً از طریق دفن در قبور، احتکار کردن و یا از بین بردن در بافت‌های دیگر صورت می‌گیرد. اما با افزایش فزاینده‌ی برخی از این اقلام به نقطه‌ای می‌رسیم که دیگر این رفتار موثر نیست؛ که در این صورت پاسخ دوم در دسترس است که اغلب از طریق تجارت راه دور عملی می‌شود (Ibid).

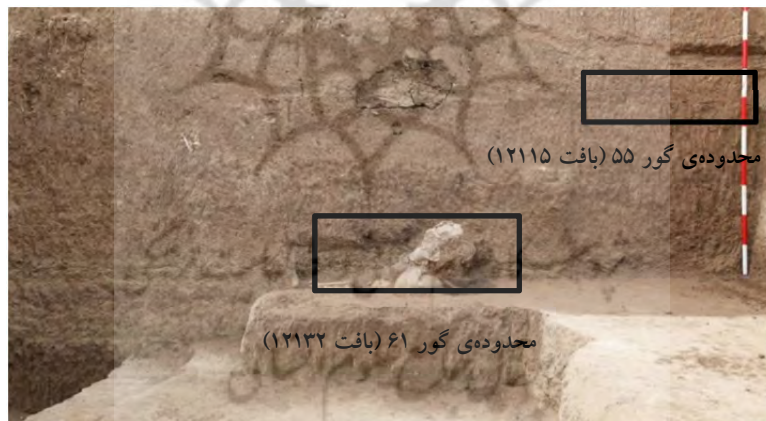
این رفتارها را می‌توان در گورستان شرقی قره‌تپه سگزآباد تا حدی پیگیری نمود. همانطور که پیش از این اشاره شد گورهای گورستان شرقی قره‌تپه سگزآباد در عمق‌های مختلف قرار دارند که بصورت کلی می‌توان آن‌ها را به پنج سطح تدفین تقسیم نمود. با توجه به دو نمونه آزمایش کربن ۱۴ و گونه‌شناسی سفال‌ها، به صورت کلی می‌توان به تقدم و تأخر نسبی گورها بر اساس عمق آن‌ها اتکاء نمود؛ هر چند برخی از گورها به دلایلی از قبیل ناهمواری‌های طبیعی زمین و یا ناهمواری‌های ناشی از برخی فعالیت‌های انسانی (سکوسازی، دیو خاک، نشست زمین در اثر ریزش سازه گورها) تابع این نظم مکانی و زمانی نیستند. تا کنون دو نمونه تاریخ‌گذاری مطلق از گورهای ۱۲ (بافت ۱۲۰۳۵) و ۱۸ (بافت ۱۲۰۴۷) در دسترس است.^۴



تصویر ۷. نمونه‌های تاریخ‌گذاری مطلق گورهای ۱۲ و ۱۸

گور ۱۲ مربوط به سطح اول تدفین و گور ۱۸ مربوط به سطح چهارم تدفین است. یکی از عمیق‌ترین گورهای گورستان شرقی که حداقل یکی از نمونه‌های کلای شأن‌زا را

داراست گور ۵۵ (بافت ۱۲۱۱۵) است که در سطح چهارم تدفین قرار می گیرد. با توجه به تاریخ گذاری مطلق گور ۱۸ و کشف نمونه مهر استوانه‌ای سبک آشور نو، این گور نمی‌تواند قدیمی‌تر از هزاره اول (پ.م) باشد. گور شماره ۶۱ (بافت ۱۲۱۳۲) مربوط به سطح پنجم تدفین است. با توجه به سطح کشف این گور و قرارگیری آن در لایه‌های تحتانی گور ۵۵، بی شک گور ۶۱ قدیمی‌تر از گور ۵۵ است. (تصویر ۸) یافته‌های بدست آمده از این گور نیز این امر را تأیید می‌کند. از جمله این یافته‌ها می‌توان به یک نمونه ساغر خاکستری رنگ اشاره نمود. نمونه مشابه این ساغر از تپه حسنلو بدست آمده است. نمونه‌های بدست آمده توسط رابرت دایسون (Robert Dyson) متعلق به حسنلو ۷ (۱۲۵۰ تا ۱۰۰۰ پ.م) (Dyson 1965) و در بازنگری یافته‌های این محوطه توسط مایکل دانتی (Michel Danti) متعلق به حسنلو IVC (۱۲۵۰ - ۱۰۵۰ پ.م) (Danti 2013) است. امیر صادق نقشینه نیز در مقاله‌ای به صورت مفصل به فرمهای مختلف ساغرها به عنوان یکی از گونه‌های سفالی شاخص عصر آهن ۱ و ۲ پرداخته است (نقشینه ۱۳۹۱). مورد دیگر یک نمونه سرپیکان از جنس مفرغ است که نمونه‌های مشابه آن متعلق به پیش از هزاره اول (پ.م) است (مدودسکایا ۱۳۸۴: تصویر ۱۴).



تصویر ۸. محدوده و عمق کشف گورهای ۵۵ و ۶۱ (نگارندگان)



تصویر ۹. ساغر مکشوفه از گور ۶۱ سرتیر مکشوفه از گور ۶۱ (نگارندگان)

از این گور ۱۲ ظرف سفالی و تعداد زیادی زیورآلات مفرغی و مهره‌های تزیینی منحصربفرد بدست آمده است. افزون‌بر غنای گور، کشف یک سربند ترکیبی از تزیینات مفرغی و مهره‌های تزیینی که در مواردی در ترکیب با فلز مفرغ بودند نشان از رتبه‌ی بالای صاحب این گور است. هرچند که هنوز کاوش‌های ما در گورستان شرقی ناقص است اما سربندها در بافت گورها می‌توانند نماد اقتدار باشند (Brown 1981). با وجود اینکه یافته‌های این گور حاکی از موقعیت اجتماعی بالای تدفین است اما هیچ یک از اشیاء شأن‌زا مکشوفه از گورهای متعلق به هزاره اول (پ.م) از گور ۶۱ بدست نیامده است. در مقابل تعداد زیادی زیورآلات مفرغی و سنگ‌های نیمه قیمتی (احتمالاً مرمر) به همراه تدفین قرار داده شده بود.

با توجه به یافته‌های موجود و مباحث نظری مطرح شده به نظر می‌رسد با آغاز هزاره اول پ.م. اشیاء فلزی کاربرد شأن‌زایی خود را از دست می‌دهند و نخبگان جنوب دشت قزوین در تلاش برای حفظ شأن اجتماعی، دسته‌ی جدیدی از کالاهای شأن‌زا، شامل مهرهای سبک آشوری، مهره‌های صدفی و عقیق قرمز که حاصل روابط فرامنطقه‌ای بودند را به عنوان کالاهای شأن‌زا مورد استفاده قرار داده باشند. این تغییر رفتار فرهنگی را می‌توان نتیجه‌ی توسعه‌ی فلزکاری در قره‌تپه سگزاباد (طلایی ۱۳۸۱، قدوسیان و دیگران ۱۳۹۶ و Mortazavi et al. 2011) و افزایش دسترسی به مفرغ و سپس آهن دانست که موجب تغییر رفتار فرهنگی و ظهور دسته‌ی جدیدی از کالاهای شأن‌زا شده است.

از ۶۹ گور کاوش شده در گورستان شرقی، ۳۱ گور دارای کالاهای شأن‌زا هستند (جدول ۱). فراوانی کالاهای شأن‌زا در بافت‌های مختلف متفاوت است. از نظر نوع کالاهای شأن‌زا، کمترین تعداد ۱ و بیشترین آن ۷ نوع کالا در هر گور است. ۱۱ گور دارای

یک نوع، ۵ گور دارای دو نوع، ۳ گور دارای سه نوع، ۴ گور دارای چهار نوع، ۲ گور دارای پنج نوع، ۴ گور دارای شش نوع و ۲ گور دارای هفت نوع کالای شأن‌زا هستند (نمودار ۱). در حال حاضر به دلیل حجم کم کاوش‌ها در گورستان شرقی نمی‌توان نظر دقیقی در زمینه‌ی ارزش هر شی و درجه‌ی شأن و منزلت اجتماعی آن ارائه نمود. اما یافته‌های موجود حاکی از این است که در بین کالاهای شأن‌زا بدست آمده از گورستان شرقی قره تپه، بیشترین دسترسی به آهن و کمترین به مهرهای استوانه‌ای سبک آشوری و هندسی بوده است (نمودار ۱). پس احتمالاً میزان شأن و منزلتی که مهرهای استوانه‌ای سبک آشوری و هندسی ایجاد می‌کرده‌اند به مراتب بیشتر از اشیاء آهنی بوده است. با توجه به کشف آهن در ۲۱ گور، به نظر می‌رسد سطح دسترسی به این کالا در حال افزایش بوده و اشیاء آهنی در حال از دست دادن ارزش شأن و منزلتی خود بوده‌اند. وقوع این اتفاق قابل پیش‌بینی بود زیرا با آغاز هزاره اول پ.م. شاهد گسترش استفاده از این فلز در سرتاسر آسیای غربی هستیم (Pigott 1989: 67). به نظر آهن در حال سپری کردن مسیری بوده که مفرغ چندین سده پیش طی نموده بود. همانطور که پیش از این ذکر شد کشف تعداد زیادی از این فلز در بافت‌های دور ریز می‌تواند نشان از نخستین پاسخ‌نخبگان برای جلوگیری از دست رفتن ارزش شأن‌زای این کالا بوده باشد.

بیش از یک سوم گورها دارای یک نوع کالای شأن‌زا هستند (نمودار ۱). می‌دانیم رقابت بر سر شأن تنها مختص به رده‌های بالای جامعه نبوده و سایر افراد جامعه نیز رقابت زیادی برای کسب شأن و منزلت اجتماعی و کالاهای شأن‌زا دارند. بنابراین برخی از گورها با تعداد کم کالاهای شأن‌زا می‌توانند در ارتباط با افراد رده‌های پایین‌تر جامعه باشند. افراد رده‌های پایین‌تر جامعه در رقابت برای کسب شأن، شانس کمتری برای دستیابی به کالاهای با ارزش بالاتر دارند. به همین دلیل گورهایی که تنها کالای شأن‌زا بدست آمده از آن‌ها از آهن ساخته شده احتمالاً متعلق به رده‌های پایین‌تر جامعه بوده‌اند. (نمودار ۱)

از ۳۱ گور دارای کالاهای شأن‌زا، ۱۴ گور بیش از یک تدفین، ۵ گور انفرادی متعلق به مردان، ۵ گور متعلق به تدفین انفرادی زنان، ۳ گور متعلق به تدفین انفرادی کودکان و ۴ گور متعلق به تدفین‌های انفرادی افراد بالغی است که جنسیت آن‌ها قابل تشخیص نبوده است. اغلب در پژوهش‌های باستان‌شناسی، تدفین کودکان دارای کالای شأن‌زا حاکی از وجود جایگاه اجتماعی موروثی و تثبیت سلسله مراتب اجتماعی است (Renfrew and

Bahn, 2020: 177 فالانری، ۱۳۸۰: ۵۰). نکته قابل توجه دیگر، تعداد برابر گورهای زنان و مردان دارای کالای شأن‌زا است که می‌توان به دو گونه آن را تفسیر نمود: نخست آنکه ممکن است در هزاره اول پ.م. سطح دسترسی زنان و مردان به کالاهای شأن‌زا برابر بوده باشد و دیگر اینکه ممکن است ثروت درون گورهای زنان به عنوان کالاهای در ارتباط با ازدواج بین خانواده نخبگان و شیربها (Bridewealth) باشد (Schulting 1995: 163).

از نکات قابل توجه وجود عارضه استئوفیت^۵ در برخی از استخوان‌های تدفین‌ها است. فاکتورهایی چون عوامل بیومکانیک، متابولیک، التهابی، سن، جنس و ژنتیک از موجبات شکل‌گیری این بیماری و پیرو آن عارضه استئوفیت هستند (اعلمی‌هرندی و همکاران ۱۳۸۲: ۴۱۰). همچنین کمبود برخی از ویتامین‌ها نیز می‌تواند باعث عارضه استئوفیت شود (Janus Wong, et al. 2016: 405). با توجه به اینکه این عارضه ناشی از ساییش مفصل‌هاست؛ فشار به سیستم اسکلتی یکی از مهمترین عوامل شکل‌گیری آن در بدن است. با توجه تأثیر سن در بروز این عارضه، فرض را بر این می‌نهیم که در افراد بالای ۵۰ سال، سن نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد استئوفیت داشته است. در زمینه‌ی جنسیت نیز مطالعات نشان داده که تا زیر سن ۴۵ سال خطر بیماری که منجر به استئوفیت می‌شود در مردان و زنان برابر و بالای سن ۵۵ سال در خانم‌ها شایع‌تر است (اعلمی‌هرندی و همکاران، ۱۳۸۲: ۴۱۰). در زمینه مطالعات ژنتیکی نیز اطلاعات ما تکمیل نیست. با این تفاسیر وجود این عارضه در افراد سنین پایین می‌تواند تا حد زیادی مرتبط با سبک زندگی و نوع فعالیت فرد باشد. به طور مثال تدفین گورهای ۳ (بافت‌های ۱۲۰۲۴) و ۴ (بافت ۱۲۰۲۵) دارای این عارضه هستند. عارضه استئوفیت در گور ۳ در مهره‌های کمری و در گور ۴ در مهره‌های کمری و لگن مشاهده شده است. گور ۳ متعلق به یک زن ۲۰-۲۲ ساله و گور ۴ متعلق به یک زن حدود ۳۸ تا ۴۷ ساله است (رمضانی ۱۳۹۶).

معیار موثر دیگری که باید برای این دو گور در نظر گرفت، وزن است. عارضه استئوفیت ناشی از وزن بالا بر روی مهره‌های کمری و مفاصل پا شکل می‌گیرد (Janus Wong et al. 2016: 404). در این صورت ممکن است این عارضه در گور ۳ که تنها در مهره‌های کمری مشاهده شده است ناشی از چاقی فرد نیز باشد. اگرچه با توجه به عدم وجود این عارضه در مفاصل پاها و سن کم فرد این احتمال بسیار کم است. با توجه به وجود عارضه استئوفیت در استخوان لگن تدفین گور ۴ احتمال اینکه این عارضه ناشی از اضافه وزن

باشد را کم می‌کند. با این تفاسیر احتمال بروز این عوارض در اثر فشار زیاد بر ساختمان اسکلتی فرد و یا تغذیه نامناسب او بسیار بالاست. با توجه به اینکه طبقات پایین جامعه درگیر مشاغل سخت با ساعات طولانی‌تر هستند و معمولاً دسترسی کمتری به منابع غذایی دارند هر دو این عوامل می‌تواند نشان از تعلق این فرد به رده‌های پایین جامعه باشد. این در حالی است که از این گور ۶ نوع کالای شأن‌زا بدست آمده است.

۸. نتیجه‌گیری

استفاده از کالاهای شأن‌زا یکی از مهمترین ابزارهای نخبگان جامعه برای ایجاد، حفظ و توسعه پایگاه اجتماعی خویش بوده است. کالاهای شأن‌زا تنها در خدمت اهداف نخبگان نبوده و مردم عادی جامعه نیز همواره در تلاش برای دستیابی به این کالاها و یا کالاهای مشابه آن بوده‌اند. تلاش اقشار مختلف جامعه برای دستیابی به این کالاها منجر به ظهور استراتژی‌های مختلفی توسط نخبگان برای حفظ ارزش این کالاها و ظهور دسته‌های جدیدی از کالاهای شأن‌زا در جامعه می‌شده است. گورهای کاوش شده از گورستان شرقی قره تپه سگزآباد بازه زمانی اواخر هزاره دوم تا حدود سده ۸ پ.م. را پوشش می‌دهند. شواهد بدست آمده از گورهای این گورستان در این بازه زمانی حاکی از این است، با آغاز هزاره اول پ.م. کالاهای مفرغی به واسطه افزایش دسترسی به آنها ارزش خود را به عنوان یک کالای شأن‌زا از دست داده و افراد بیشتری از جامعه به آن دسترسی یافته‌اند. همچنین یافته‌های بدست آمده نشان می‌دهند که اشیاء آهنی نیز در هزاره اول پ.م. بخش زیادی از ارزش شأن‌زای خود را از دست داده و در مسیر تبدیل شدن به یک کالای مصرفی بودند. در هزاره اول پ.م. و همزمان با کاهش ارزش مفرغ و آهن شاهد ظهور دسته‌های جدیدی از کالاهای شأن‌زا شامل صدف‌های دریایی، مهره‌های عقیق قرمز و مهره‌های استوانه‌ای سبک آشوری و هندسی هستیم که به عنوان نشانه‌ای از پیوند با سرزمین‌های دور در حفظ و افزایش قدرت و شأن نخبگان موثر بوده است. این تغییر در رفتار فرهنگی در تفاوت بوجود آمده در یافته‌های درون گورهای متعلق به هزاره اول پ.م. کاملاً نمایان است. اگرچه ما در اینجا قصد نداریم تا ویژگی‌های رده‌بندی جامعه هزاره اول پ.م. قره تپه سگزآباد را توصیف نماییم؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به کمیت و کیفیت متفاوت کالاهای شأن‌زا درون گورها و وضعیت پاتولوژی برخی از بقایای استخوانی، برخی از گورهای حاوی

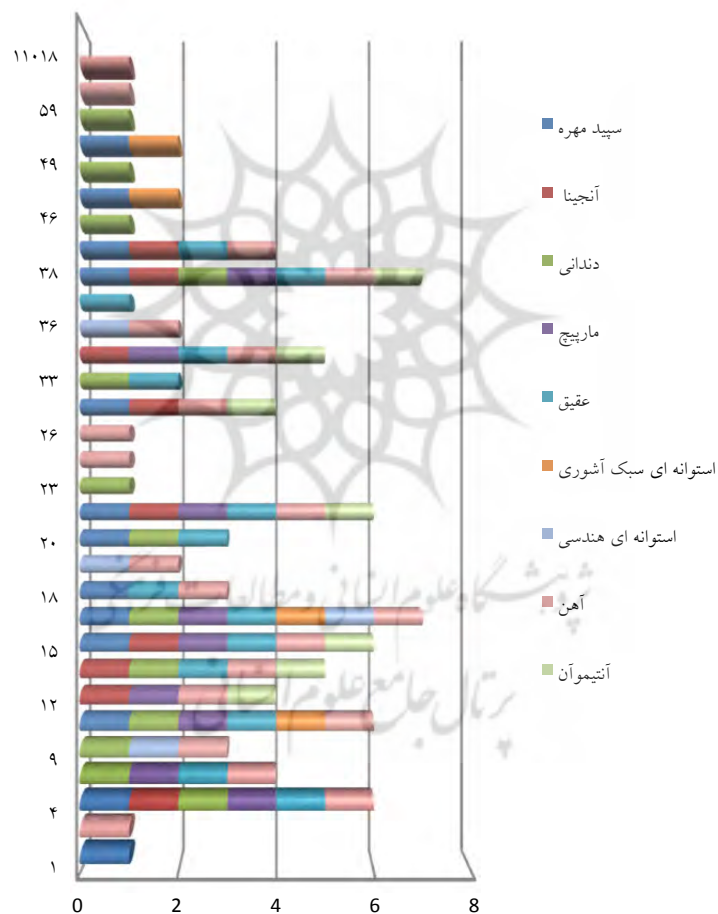
کالاهای شأن‌زا معرفی شده در بالا متعلق به رده‌های پایین و احتمالاً برخی از افراد عادی جامعه بوده است که در تلاش برای افزایش شأن و منزلت اجتماعی خویش، این اشیاء ارزشمند را درون گورهای مردگان خود قرار داده‌اند. این رفتار طبقات پایین‌تر جامعه برای دستیابی به شأن می‌تواند بیانگر تلاش آن‌ها برای نشان دادن پیوندشان با رده‌های بالاتر جامعه بوده باشد که می‌توانست تضمینی برای موفقیت در ازدواج، فرآیندهای قرض، کارهای مشارکتی و یا دستیابی به امتیازاتی از این دست در جامعه باشد. با توجه به گردش بالای کالاهای شأن‌زا در جوامع ممکن است این کالاها توسط نخبگان رده‌های بالاتر و با هدف افزایش اقتدار، تحکیم اتحاد، انگیزه‌های اقتصادی و یا ایجاد رده‌های جدید اجتماعی بین رده‌های پایین‌تر جامعه توزیع شده باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری سامان بابازاده با عنوان " بررسی و ارزیابی سطح پیچیدگی - های اجتماعی - اقتصادی جوامع ساکن در شمال مرکزی ایران (دشت قزوین) همزمان با عصر آهن ۲ و ۳ (با تکیه بر یافته‌های گورستان عصر آهن ۲ و ۳ قره تپه سگزآباد) " است.
۲. علاوه بر گورها بقایای استخوان انسانی در فضاهای مختلف گورستان بدست آمده است. با توجه به نوع نهشته‌گذاری، در گور بودن این بقایا جای تردید است و احتمالاً ناشی از جابه‌جایی این بقایا در اثر عوامل طبیعی، جانوری و انسانی هستند. با این تفاسیر برای این بقایا شماره گور مجزا در نظر گرفته نشده و با شماره بافتی که از آن بدست آمده اند ثبت و ضبط گردیدند. علاوه‌براین برخی از گورهای خمره‌ای نوزادها و جنین‌ها نیز شماره گور مجزا دریافت نکرده و با شماره بافتی که از آن شناسایی شده بودند ثبت گردیدند.
۳. این دسته از اشیاء به دلیل رنگ سبز اکسید آنها، در گزارش توصیفی کاوش همگی تحت عنوان اشیاء مفرغی ثبت شده اند و احتمال دارد برخی از جنس مس یا آلیاژهای مس مانند مس - آرسنیک یا مس - قلع باشند. نظر قطعی در این زمینه نیازمند آزمایش تک تک اشیاء است.
۴. دو نمونه تاریخگذاری مطلق قره تپه مربوط به بافت‌های ۱۲۰۴۷ و ۱۲۰۳۵ است. نمونه کربن ۱۴ بافت ۱۲۰۴۷ (گور ۱۸) تاریخ ۱۰۰۰ - ۹۲۵ پیش از میلاد با ۶۸.۲ درصد احتمال و ۱۰۵۰ - ۸۹۵ پیش از میلاد با ۹۵.۴ درصد احتمال و نمونه‌ی بافت ۱۲۰۳۵ (گور ۱۲) تاریخ ۸۹۷-۸۳۶ پیش از میلاد با ۶۸.۲ درصد احتمال و ۹۲۴ - ۸۱۲ پیش از میلاد با ۹۵.۴ درصد احتمال را نشان می‌دهند.

۵. استئوفیت نوعی رشد استخوانی ناشی آرتروز / استئوآرتروز است. این بیماری باعث می شود غضروف مفصلی به آهستگی فرسایش یابد تا اینکه نهایتاً استخوان زیر آن مستقیماً در معرض فشار قرار می گیرد. استخوان زیر غضروف سخت و براق می گردد. در همین حال استخوان در لبه های مفصل هیپروتروفی می شود تا اینکه خار کوچکی به نام استئوفیت در لبه ی مفصل تشکیل می گردد (آدامز و همپلین، ۱۳۷۸: ۹۷).

پیوست



نمودار ۱: گورهای دارای کالاهای شأنزا و فراوانی نوع کالاهای شأنزا در هر گور

جدول ۱: گورهای دارای کالاهای شأن‌زا، اشیاء مفرغی و مهرهای سبک محلی

ردیف	شماره گور	شماره یافت	مهره صدفی				آبیمون	صفتی قرمز	مهر استوانه ای			مفرغ
			سیتیمهره	آنچینا	دندان	مارپیچ			آشور	هندسی	محلی	
۱	۱	۱۲۰۱۶	*									
۲	۲	۱۲۰۲۴									*	
۳	۳	۱۲۰۲۵	*	*	*	*	*				*	*
۴	۴	۱۲۰۲۸			*	*	*				*	*
۵	۵	۱۲۰۳۰			*					*		*
۶	۶	۱۲۰۳۱									*	*
۷	۷	۱۲۰۳۳	*		*	*	*	*		*	*	*
۸	۸	۱۲۰۳۵		*	*	*	*	*			*	*
۹	۹	۱۲۰۳۶		*	*	*	*	*			*	*
۱۰	۱۰	۱۲۰۳۸	*	*	*	*	*	*			*	*
۱۱	۱۱	۱۲۰۴۰	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۲	۱۲	۱۲۰۴۴									*	*
۱۳	۱۳	۱۲۰۴۷	*				*				*	*
۱۴	۱۴	۱۲۰۴۹								*		*
۱۵	۱۵	۱۲۰۵۱	*		*	*	*	*				*
۱۶	۱۶	۱۲۰۵۳									*	*
۱۷	۱۷	۱۲۰۵۸	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۸	۱۸	۱۲۰۶۱			*	*	*	*				*
۱۹	۱۹	۱۲۰۶۳									*	*
۲۰	۲۰	۱۲۰۶۸									*	*
۲۱	۲۱	۱۲۰۷۰									*	*
۲۲	۲۲	۱۲۰۷۷	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۳	۲۳	۱۲۰۸۰			*	*	*	*	*	*	*	*
۲۴	۲۴	۱۲۰۸۲	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۵	۲۵	۱۲۰۸۴								*	*	*
۲۶	۲۶	۱۲۰۸۶					*	*	*	*	*	*
۲۷	۲۷	۱۲۰۸۸	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۸	۲۸	۱۲۰۹۰								*	*	*
۲۹	۲۹	۱۲۰۹۸	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۳۰	۳۰	۱۲۱۰۰									*	*
۳۱	۳۱	۱۲۱۰۲				*	*	*	*	*	*	*

*											۱۲۱۰۴	۴۷	۳۲
*				*					*		۱۲۱۰۵	۴۸	۳۳
*								*			۱۲۱۰۷	۴۹	۳۴
*											۱۲۱۰۸	۵۰	۳۵
		*									۱۲۱۱۲	۵۲	۳۶
*		*		*					*		۱۲۱۱۵	۵۵	۳۷
*											۱۲۱۲۰	۵۷	۳۸
*								*			۱۲۱۲۵	۵۹	۳۹
*											۱۲۱۳۰	۶۰	۴۰
*											۱۲۱۳۲	۶۱	۴۱
*											۱۲۱۳۴	۶۳	۴۳
*	*										۷۰۱۱		۴۴
*											۱۰۰۱۰		۴۵
		*									۱۱۰۱۸		۴۶
*											۱۱۰۱۹		۴۷

کتابنامه

- آدامز، جان کوافورد، هامبلین، دیوید (۱۳۷۸)، اصول ارتوپدی آدامز، ترجمه فرهاد همت‌خواه، ج ۱، تهران: شهر آب.
- اعلمی هرندی، بهادر، محمود فرزاد، محمدتقی طهماسبی، میرمصطفی سادات، محمدرضا گیتی، محمدجواد مرتضوی، فرشاد فروزنده، علیرضا عزیز آهاری (۱۳۸۲)، درسنامه ارتوپدی و شکستگی‌ها، تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.
- بولوردی، فرنوش (۱۳۹۹)، گونه‌شناسی، مواد و فن‌شناسی مهره‌های زیورآلات تدفینی گورستان عصر آهن ۲ و ۳ تپه سگزآباد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران.
- ده‌پهلوان، مصطفی (۱۳۹۵)، گزارش مقدماتی کاوش آموزشی و پژوهشی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران؛ قره تپه سگزآباد، مرداد، شهریور و مهر ۱۳۹۵. منتشر نشده.
- ده‌پهلوان، مصطفی (۱۳۹۶)، گزارش مقدماتی کاوش آموزشی و پژوهشی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران؛ قره تپه سگزآباد، مرداد، شهریور و مهر ۱۳۹۶. منتشر نشده.
- ده‌پهلوان، مصطفی (۱۳۹۷الف)، «گورستان‌های نویافته عصر آهن ۲ و ۳ قره‌تپه سگزآباد (فصل سوم)»، در: هفدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، ج ۱. به کوشش روح‌الله شیرازی و شقایق هورشید، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

- ده‌پهلوان، مصطفی (۱۳۹۷ب)، گزارش مقدماتی کاوش آموزشی و پژوهشی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران؛ قره تپه سگزآباد، شهریار و مهر ۱۳۹۷، منتشر نشده.
- ده‌پهلوان، مصطفی (۱۳۹۸)، گزارش مقدماتی کاوش آموزشی و پژوهشی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران؛ قره تپه سگزآباد، مرداد و شهریور ۱۳۹۸، منتشر نشده.
- ده‌پهلوان، مصطفی (۱۴۰۰)، گزارش مقدماتی کاوش آموزشی و پژوهشی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران؛ قره تپه سگزآباد، مرداد و شهریور ۱۴۰۰، منتشر نشده.
- رمضانی، مریم (۱۳۹۶)، گزارش انسان‌شناسی جسمانی محوطه قره‌تپه سگزآباد قزوین (کاوش‌های سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶)، چاپ نشده.
- طلایی، حسن (۱۳۸۱)، «تکنولوژی فلزگری کهن در تپه سگزآباد دشت قزوین»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۶۴.
- طلایی، حسن (۱۳۸۹)، عصر آهن ایران، تهران: سمت.
- عزیزی خراتقی، ناصری، رضا (۱۳۹۱)، «لایه نگاری بخش جنوبی تپه سگزآباد»، پیام باستان‌شناسی، س ۹، ش ۱۸.
- فلانری، کنت (۱۳۸۰)، «تطور فرهنگی تمدن‌ها»، ترجمه کامیار عبدی، انسان‌شناسی، س ۱، ش ۲.
- قدوسیان، طلحه، احد صمدی، حسن طلایی (۱۳۹۶)، «واکوی جنبه‌هایی از متالورژی باستانی دشت قزوین بر مبنای داده‌های فلزی مکشوفه از قبور عصر آهن II قبرستان سگزآباد»، مطالعات باستان‌شناسی، س ۹، ش ۱.
- مدود سکایاو یانا (۱۳۸۴)، ایران در عصر آهن ۱، ترجمه علی‌اکبر وحدتی. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری- پژوهشکده باستان‌شناسی.
- ملک شه میرزادی، صادق (۱۳۵۶)، «گزارش مقدماتی فصل اول و دوم حفاری تپه‌ی سگزآباد»، مارلیک ۲، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- نقشینه، امیر صادق (۱۳۹۱)، «گونه‌شناسی ساغرها و پیاله‌های ایران»، پیام باستان‌شناسی. س ۹، ش ۱۸.
- نگهبان، عزت‌الله (۱۳۵۶)، «حفاری دشت قزوین (فصل‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱)»، مارلیک ۲، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

Bagley, J. M. and Robert_Schumann (2013), " Materialized prestige: Remarks on the archaeological research of social distinction based on case studies of the late Hallstatt golden necklaces and early La Tène Maskenfibeln", in Interpretierte Eisenzeiten: Fallstudien, Methoden, Theorie. Tagungsbeiträge der 5. Linzer Gespräche zur interpretativen Eisenzeitarchäologie [Iron Ages Interpreted: Case Studies, Methods, Theories. Papers Presented at the 5th Linzer Discussions on Interpretative Iron Age

- Archaeology]: 123–136, ed. Raimund Karl and Jutta Leskovar. Linz: Oberösterreichisches Landesmuseum.
- Brown, J. A (1981), "The Search for Rank in Prehistoric Burials", In *The Archaeology of Death*, edited by R. Chapman and et al, Cambridge: Cambridge University Press.
- Brunet, O (2009), "Bronze and Iron Age carnelian bead production in the UAE and Armenia: new perspectives", *Proceedings of the Seminar for Arabian Studies*, Vol. 39.
- Clark, J. E. and Michael Blake (1994), "The power of prestige: competitive generosity and the emergence of rank societies in lowland Mesoamerica", in E. M. Brumfiel and J.W.Fox (eds) *Factional Competition and Political Development in the New World*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Danti, M. D (2013), "The Late Bronze and Early Iron Age in northwestern Iran" In: *The Oxford Handbook of Ancient Iran*, Edited by D. T. POTTS, New York: Oxford University Press
- Dehpahlavan, M. and Zahra Alinezhad (2022), "The Cylinder Seals of Qareh Tepe in Sagzabad, Iron Age II and III", *Iran*, Vol 60.
- Dyson, R. H. Jr (1965), "Problems of Protohistoric Iran as Seen from Hasanlu" *Near Eastern Studies*, Vol. 24.
- Earle, T. K (1997), "How chiefs come to power: The political economy in prehistory", Stanford: Stanford University Press.
- Flad, R. and Z. X. Hruby (2007), "Specialized production in archaeological contexts: Rethinking specialization. the social value of products and the practice of production", *Archaeological Papers of the American Anthropological Association*, Vol. 17(1).
- Halstead, P (1993), "Spondylus shell ornaments from late neolithic Dimini, Greece: specializes manufacture or unequal accumulation?", *Antiquity*, Vol. 67:<
<https://doi.org/10.1017/S0003598X00045816>>
- Hayden, B (1998), "Practical and Prestige Technologies: The Evolution of Material Systems", *Journal of Archaeological Method and Theory*, Vol. 5, No. 1.
- Henrich, J. & F. J. Gil-White (2001), "The evolution of prestige. Freely conferred deference as a mechanism for enhancing the benefits of cultural transmission", *Evolution and Human Behavior*, Vol. 22.
- Hirth, K. G (1996), "Political economy and archaeology: Perspectives on exchange and Production", *Journal of Archaeological Research*, Vol. 4, No.3.
- Janus Wong, Kwong Yuen Chiu, Chun Hoi Yan (2016), "Review Article: Osteophytes", *Journal of Orthopaedic Surgery*, Vol. 24(3).
- Johnson, A. and Timothy Earle (2000), "The Evolution of Human Societies: From Foraging Group to Agrarian State" Stanford: Stanford University Press.
- Kantner, J (2010), "Identifying the Pathways to Permanent Leadership ", In: *The Evolution of Leadership Transitions in Decision Making from Small-Scale to Middle-Range Societies*, Edited by Kevin J Vaughn,] elmer W Eerkens, and john Kantner, *SAR Press*.

- Kristiansen, K. and T.B. Larson (2005), "The Rise of Bronze Age Society, Travels, Transmissions and Transformations", New York: Cambridge University Press.
- Mohammadi et al (In press), "Discovery of the first evidences of metalsmithing by antimony in Iron Age II and III", cemetery of Sagzabad in Qazvin Plain, Iran.
- Mortazavi, M. Ahmad Salehi Kakhki, Mohammad Ali Golozar, Hassan Tala'i (2011), "Preliminary Metallurgical Investigation of Copper-Based Artifacts at Tepe Sagzabad in Qazvin Plain, Iran (1500-800 BC)", *Iranian Journal of Archaeological Studies*, Vol. 1, No.2.
- Pigott, V. C (1984), "The Emergence of Iron Use at Hasanlu" Expedition, Vol. 31. No. 2-3.
- Plourde, A. M (2009), "Prestige Goods and the Formation of Political Hierarchy. A costly signaling model" In: *Pattern and Process in Cultural Evolution*, Editor S. J. Shennan, Berkeley: University California Press.
- Plourde, A. M (2010) "Human Power and Prestige Systems", In: *Mind the Gap Tracing the Origins of Human Universals*, Editors Peter M. Kappeler & Joan B. Silk, Springer Heidelberg Dordrecht London New York.
- Plourde, A.M (2008), "The origins of prestige goods as honest signals of skill and knowledge", *Human Nature*, Vol. 19.
- Reese, D. S (1989), "Treasures from the Sea, Shells and Shell Ornaments from Hasanlu IVB", Expedition, Vol. 31, No. 2-3.
- Renfrew, C. and P. Bahn (2020), "Archaeology: Theories, Methods, and Practice (Eighth Edition)", London: Thames & Hudson Ltd.
- Schulting, R.J (1995), "Mortuary Variability and Status Differentiation on the Columbia-Fraser Plateau", *Archaeology Press Simon Fraser University Burnaby*
- Selbitschka, A (2018), "Genuine Prestige Goods in Mortuary Contexts: Emulation in Polychrome Silk and Byzantine Solidi from Northern China", *Asian Perspectives*, Vol. 57. No. 1.
- Service, E (1962), "Primitive social organization", New York: Random House.
- Shackleton, N. and Colin Renfrew (1970), "Neolithic trade routes realigned by oxygen isotope analyses", *Nature*, Vol. 228.
- Siklosi, Z (2004), "Prestige Goods in the Neolithic of the Carpathian Basin. Material Manifestations of Social Differentiation", *Acta Archaeologica*, Vol. 55.
- Spencer, Ch (1987), "Rethinking the Chieftdom", In: *Chieftdoms in the Americas*. Editors Robert D. Drennan and Carlos A. Uribe, University press of America.
- Trubitt, M. B (2003), "The Production and Exchange of Marine Shell Prestige Goods", *Journal of Archaeological Research*. Vol. 11, No. 3.
- Waele, A. D. and E. Haerinck (2006), "Etched (carnelian) beads from northeast and southeast Arabia" *Arabian Archaeology and Epigraphy*, Vol. 17, NO. 1.